

انهدام زیرساخت‌های ارتباطی و رادارهای پدافندی آمریکا، نرخ اصابت موشک‌های ایران را بالا برده است

حمله به چشم و گوش دشمن

گروه سیاسی گزارش

گزارش

با آغاز جنگ تجاوزکارانه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه کشورمان، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های حملات متقابل نیروهای مسلح ایران، تمرکز قابل توجه بر زیرساخت‌های ارتباطی و سامانه‌های راداری شبکه پدافند آمریکا بوده است. بررسی گزارش‌های منتشر شده در رسانه‌های بین‌المللی و تحلیل داده‌های ماهواره‌ای نشان می‌دهد که در این حملات، صرفاً پاندهای پروازی یا تأسیسات لجستیکی پایگاه‌ها هدف قرار نگرفته‌اند، بلکه بخش مهمی از اهداف، سامانه‌هایی بوده‌اند که در واقع چشم و گوش شبکه دفاع موشکی ایالات متحده در غرب آسیا برای دفاع از اسرائیل به شمار می‌روند. مجموعه‌ای از رادارهای پیشرفته، سامانه‌های اصلی این سامانه، رادار پیشرفته ماهواره‌ای و زیرساخت‌های فرماندهی و کنترل در پایگاه‌های ایالات متحده در اردن، قطر، امارات، کویت و بحرین مورد اصابت موشک‌ها و پهپادهای انتحاری ایران قرار گرفته و منهدم شده‌اند.

این الگوی حملات از نگاه بسیاری از تحلیلگران نظامی انتقاف نیست نشانده یک راهبرد مشخص در مراحل ابتدایی جنگ محسوب می‌شود؛ و راهبردی که هدف آن تضعیف لایه شناسایی و هشدار شبکه دفاع موشکی آمریکا و متحدانش پیش از گسترش موج‌های بعدی حملات موشکی ایران است. به‌ویژه اگر بدانیم که در جنگ‌های مدرن، سامانه‌های راداری و ارتباطی نقش حیاتی در کشف تهدید، انتقال داده‌ها و هدایت سامانه‌های رهگیر دارند و از کار افتادن آن‌ها عملاً بخشی از شبکه پدافندی را فلج می‌کند.

در همین چهارچوب، یکی از مهم‌ترین اهداف حملات ایران در روزهای گذشته، رادارهای سامانه پدافندی تاد بوده است؛ سامانه‌ای که آمریکا

منطقه تحت تأثیر آن قرار خواهد گرفت. با این

حال، درف‌های رسانه‌ای وسیاسی منطقه‌گاه‌این برداشت شکل گرفت که وقتی گفته می‌شود در صورت گسترش جنگ، منافع کشورهای عربی نیز به خطر خواهد افتاد، منظور آن است که ایران تهدیدی مستقیم علیه این کشورها تلقی می‌شود. در حالی که چنین برداشتی از اساس دقیق نیست و با منطق اصلی این موضع‌گیری فاصله دارد.

مقصوداصلی ازطرح‌این مسأله،ناظربرمناطقی است که ایالات متحده در آنها حضور نظامی دارد واز همان مناطق حملاتی علیه‌ایران انجام می‌شود. در واقع، زمانی‌که از خاک پایگاه‌های مستقر در برخی کشورهای منطقه اقدام نظامی علیه ایران صورت گیرد، طبیعتاً این پایگاه‌ها به بخشی از معادله جنگ تبدیل می‌شوند. در چنین شرایطی، مسأله نه منافع کشورهای عربی، بلکه منافع و حضور نظامی آمریکا در آن مناطق است. این تفکیک مفهومی از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا نشان می‌دهد که در نگاه ایران، کشورها و جوامع منطقه هدف درگیری نیستند، بلکه مسأله به حضور و اقدام نیروهای خارجی بازمی‌گردد.

این وضعیت در واقع ریشه در سیاستی دارد که ایالات متحده سال‌ها پیش در منطقه طراحی کرده است. پایگاه‌های نظامی آمریکا در کشورهای مختلف منطقه، اگرچه باعنوان‌هایی

مانند حفاظت از مسیرهای انتقال انرژی یا تأمین امنیت حمل‌ونقل دریایی ایجاد شده‌اند، اما از منظر ایران هدف اصلی آنها فراهم کردن امکان فشار و اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی بوده است. بنابراین در شرایطی که از این پایگاه‌ها حملاتی علیه ایران صورت گیرد، طبیعی است که در چهارچوب توافق دفاعی، این پایگاه‌ها نیز به عنوان اهداف متقابل در نظرگرفته شوند. از این منظر، هنگامی که گفته می‌شود به خطر افتادن منافع ایران می‌تواند پیامد‌هایی برای منطقه داشته باشد، مقصود در واقع منافع و حضور نظامی آمریکا در منطقه است، نه منافع داخلی کشورهای عربی. این تمایز، موضوعی مهم در فضای منطقه‌ای ایران به شمار می‌رود؛ زیرا نشان می‌دهد که تقابل موجود اساساً میان ایران و بازیگران خارجی شکل‌گرفته‌و نه میان ایران و همسایگان منطقه‌ای آن.

در لایه دوم این بحث، باید به اصل سیاست حسن‌همجواری در سیاست‌خارجی ایران اشاره کرد. این سیاست طی سال‌های پس از انقلاب همواره یکی از اصول اعلامی و عملی جمهوری اسلامی بوده است. ایران در دوره‌های مختلف تلاش کرده روابط خود با کشورهای همسایه را بهبود ببخشد و سطح همکاری‌ها را افزایش دهد. با این حال، در بسیاری از موارد تلاش‌هایی از سوی بازیگران خارج از منطقه صورت گرفته تا

مستقر است. این رادارها اگرچه از نظر اندازه و برد به بزرگی AN/FPS-۱۳۲ نیستند، اما بخش مهمی از لایه میانی شبکه کشف تهدید محسوب می‌شوند. تحلیل تصاویر ماهواره‌ای منتشر شده در رسانه‌های غربی نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از سایت‌های راداری و ارتباطی آمریکا در کشورهای اردن، قطر، کویت، امارات و بحرین مورد اصابت قرار گرفته و دچار خسارت شده‌اند.

در همین چهارچوب، گزارش‌هایی نیز درباره هدف قرار گرفتن برخی زیرساخت‌های ارتباطی ماهواره‌ای ارتش تروریستی ایالات متحده در منطقه منتشر شده است. این زیرساخت‌ها که شامل ایستگاه‌های SATCOM و گنبد‌های راداری موسوم به رادوم هستند، برای ارتباط امن میان پایگاه‌های آمریکا، ناوهای مستقر در منطقه و فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا استفاده می‌شوند. آسیب دیدن چنین تأسیساتی می‌تواند در انتقال داده‌ها و هماهنگی عملیات‌ها اختلال ایجاد کند.

اما ابعاد راهبردی این خسارات در تحلیل‌های برخی رسانه‌های آمریکایی نیز مورد توجه قرار گرفته است. فارین پالیسی در تحلیلی درباره پیامدهای این حملات نوشته است که تخریب این تأسیب دیدن برخی از رادارهای دفاع موشکی آمریکا در منطقه می‌تواند اثرات بلندمدتی داشته باشد. به نوشته این رسانه، جایگزینی برخی از این سامانه‌ها فرآیندی بسیار زمانبر است. بر اساس برآوردهایی که در این گزارش مطرح شده، بازسازی یک جایگزینی رادار راهبردی AN/FPS-۱۳۲ ممکن است بین پنج تا هشت سال زمان ببرد و هزینه آن حدود ۱٫۱ میلیارد دلار باشد. همچنین جایگزینی رادار AN/TPS-۵۹ نیز می‌تواند ۱۲ تا ۲۴ ماه زمان ببرد و هزینه‌ای در حدود ۷۵ تا ۱۰۰ میلیون دلار داشته باشد.

رسانه‌هایی مانند بلومبرگ نیز در گزارش‌های خود به این نکته اشاره کرده‌اند که روزهای ابتدایی جنگ گزینه‌هایی برای جایگزینی سریع برخی از این سامانه‌ها در منطقه است. به گفته برخی مقامات نظامی ایالات متحده که با این رسانه‌ها گفت‌وگو کرده‌اند، از دست رفتن یک رادار کشف‌ی مانند AN/TPS-۲۰ می‌تواند فشار بیشتری بر سامانه‌های دیگر مانند پاتریوت وارد کند. سامانه‌ای که خودش هم با محدودیت ذخایر موشک‌های

رهگیر PAC-۳ مواجه است. اگر این گزارش‌ها را در کنار الگوی حملات ایران قرار دهیم، تصویری نسبتاً روشن از راهبرد عملیاتی ایران در روزهای ابتدایی جنگ شکل می‌گیرد. به نظر می‌رسد تمرکز اصلی عملیات‌های اولیه بر انهدام یا تضعیف لایه حسگر شبکه دفاع موشکی دشمن بوده است. در واقع، نیروهای مسلح ایران در روزهای نخست جنگ تلاش کرده‌اند با هدف قرار دادن رادارها، سامانه‌های هشدار زودهنگام و زیرساخت‌های ارتباطی، شبکه شناسایی و رهگیری آمریکا و اسرائیل در منطقه را تضعیف کنند.

اساساً در حملات موشکی، سرعت تصمیم‌گیری و زمان واکنش سامانه‌های دفاعی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. رادارهای هشدار زودهنگام با کشف سریع پرتاب موشک‌ها، چند دقیقه زمان حیاتی برای فعال شدن سامانه‌های رهگیر فراهم می‌کنند. اما اگر این رادارها آسیب ببینند یا بخشی از شبکه آن‌ها از کار بیفتد، زمان واکنش به شدت کاهش می‌یابد و احتمال عبور موشک‌ها از سد پدافند افزایش پیدا می‌کند.

حالا نشانه‌هایی از این موضوع در جنگ فعلی دیده می‌شود. گزارش‌ها حاکی از آن است که با گذشت چند روز از آغاز جنگ تجاوزکارانه آمریکا و اسرائیل و پس از هدف قرار گرفتن بخش قابل توجهی از شبکه راداری و ارتباطی آمریکا در منطقه، نرخ اصابت موشک‌ها و پهپادهای ایرانی به اهداف تعیین شده در پایگاه‌های آمریکا و سرزمین‌های اشغالی، افزایش قابل‌توجهی یافته است. اکنون نسبت میان تعداد شلیک‌ها و تعداد اصابت‌ها به شکل محسوسی به هم نزدیک‌تر شده است. این نشان‌دهنده اثرگذاری راهبرد ایران است؛ راهبردی که هدف آن کور کردن چشم دشمن پیش از گسترش موج‌های اصلی حملات موشکی بوده است. به همین دلیل است که کارشناسان نظامی معتقدند آنچه در روزهای ابتدایی جنگ تجاوزکارانه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران رخ داده، صرفاً مجموعه‌ای از حملات پراکنده به پایگاه‌های آمریکا نبوده، بلکه مرحله‌ای از یک دکترین عملیاتی بوده است؛ مرحله‌ای که هدف آن تضعیف زیرساخت‌های شناسایی و هشدار دشمن و افزایش احتمال موفقیت موج‌های بعدی حملات موشکی بوده است.

به همین دلیل، حتی در بطن تحولات پرتنش کشورهای منطقه گسترش یابد. در چنین شرایطی، تأکید رئیس جمهوری بر ضرورت توجه کشورهای منطقه به این واقعیت قابل فهم است که برخی بازیگران خارجی در بی آن هستند تا ایران را در نقطه تقابل با کشورهای عربی قرار دهند. در واقع، یکی از اهداف چنین سیاست‌هایی آن است که فضای منطقه‌ای به سمت شکاف و رقابت امنیتی سوق داده شود تا زمینه برای حضور و مداخله بیشتر قدرت‌های فرامنطقه‌ای فراهم شود. از این رو، آگاهی نسبت به این الگوهای مداخله‌گرانه برای کشورهای منطقه اهمیتی اساسی دارد. در همین چهارچوب، تأکید دشت‌است که ایران منافع داخلی و اقتصادی کشورهای عربی را هدف قرار نمی‌دهد و مسأله صرفاً به منافع و حضور آمریکایی‌ها بازمی‌گردد؛ ضروری که در چهارچوب جنگی تحمیل شده به ایران معنا پیدا کرده است. این جنگ از منظر ایران توسط بازیگران خارج از منطقه آغاز شده و به همین دلیل نیز نمی‌توان آن را به روابط طبیعی میان کشورهای همسایه تعمیم داد. از سوی دیگر، ایران بر این نکته تأکید دارد که جغرافیا امری تاریخی و همیشگی نیست و می‌توان آن را تغییر داد. کشورهای منطقه قرن‌ها در کنار یکدیگر زندگی کرده‌اند و این همجواری در آینده نیز ادامه خواهد داشت.

سیاسی

اخبار

رایزنی تلفنی پزشکیان و پوتین درباره تحولات منطقه



رئیس جمهوری مسعود پزشکیان و ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه، در گفت‌وگوی تلفنی آخرین تحولات منطقه در پی اقدامات تجاوزکارانه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه کشورمان را مورد وا‌کوی قرار دادند.

در این گفت‌وگو رئیس جمهوری، ترور ناچوانمردانه رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران را اقدامی برخلاف تمام موازین حقوقی و مقررات بین‌المللی توصیف کرد و افزود: «سلطه‌گران با اعمال قدرت کور و مذبحخانه درصد تحمیل اراده خود بر ملت‌ها هستند، اما حضور میلیونی و حماسی ملت ایران در پشتیبانی از تلاش و کشورشان، ثابت کرد که این تهاجمات تنها عزم ملت ما را برای دفاع از کبان کشور جزم‌تر می‌کند.»

پزشکیان با یادآوری هشدارهای قبلی مبنی بر غیرقابل اعتماد بودن بودن طرف مقابل، تصریح کرد: «در تماس قبلی اشاره داشتید که طبق ادعای نتانیا‌هو، آن‌ها قصدی برای حمله به ایران ندارند؛ اما امروز بر همگان عیان گشت که دروغ‌گویی و خیانت، جزء ذات آن‌هاست و در میانه ادعای مذاکره، بار دیگر به ما حمله کردند.»

وی تأکید کرد که از روسیه انتظار می‌رود با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بین‌المللی خود، از حقوق حقه ملت ایران در برابر این تجاوزات پشتیبانی کند.

همچنین پزشکیان با اشاره به رایزنی‌های دیپلماتیک با کشورهای منطقه اظهار داشت: «ما در تماس با همسایگان تبیین کردیم که هدف قرار دادن پایگاه‌های نظامی آمریکا، اقدامی صرفاً دفاعی و در راستای صیانت از کشور و مردم است و حملات اخیر آمریکا و رژیم صهیونیستی بار دیگر بر حقانیت موضع تهران صحه گذاشت که امنیت منطقه تنها توسط کشورهای منطقه تأمین می‌شود و حضور نیروهای خارجی، عامل اصلی ناامنی است.»

رئیس جمهوری کشورمان با رد طعانه‌ها ادعاهای مطرح شده در خصوص حمله به جمهوری آذربایجان، این شایعات را توطئه دشمنان برای خدشه‌دار کردن روابط برادرانه میان همسایگان دانست و گفت: «جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه قصد تهاجم به همسایگان خود را نداشته و نخواهد داشت؛ مسیر ما دفاع مقتدرانه از تمامیت ارضی و صلح پایدار است.» در ادامه هم پزشکیان با تشکر از دغدغه‌مندی دولت و ملت روسیه در شرایط خطیر فعلی، ابراز امیدواری کرد که کشورهای مستقل و سازمان‌های بین‌المللی با هم‌افزایی، کشورهای سلطه‌گرا را وادار به تبعیت از قانون و احترام به حقوق ملت‌ها کنند.

در این گفت‌وگو، ولادیمیر پوتین نیز ضمن تسلیت شهدات رهبر معظم انقلاب اسلامی و ابراز همدردی عمیق با دولت و ملت ایران با اشاره به تماس‌های مستمر خود با رهبران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، بر ضرورت ثبات منطقه‌ای تأکید کرد.

رؤسای جمهور دو کشور همچنین توافق کردند که هماهنگی‌های تهران و مسکو از طریق کانال‌های مختلف دیپلماتیک و امنیتی با قوت ادامه یابد.

بیانیه مشترک ۵۰۰ نویسنده و پژوهشگر جهان

جنگ علیه ایران پایان یابد

جودیت باتلر، پرواند آبراهامیان، آوی شلایم، آصف بیات، تیموتی میچل و آدم هنیه از جمله نویسندگان مطرحی هستند که در بیانیه‌ای خواستار پایان جنگ علیه ایران شدند.

به گزارش ایبنا، بیش از ۵۰۰ نویسنده مطرح جهان، پژوهشگر، دانشگاهی و گزارشگر ویژه سازمان ملل، در بیانیه‌ای مشترک، با هرگونه جنگ علیه ایران مخالفت کردند. مای ساتو، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر در ایران نیز در موضع گیری مشابه این حملات را محکوم کرد. امضاکنندگان تأکید کرده‌اند که «ما جنگ ایالات متحده با ایران را تحت هر بهانه‌ای به شدت محکوم می‌کنیم» و هشدار داده‌اند که تهدید دولت دونالد ترامپ، برای آغاز جنگ علیه ایران می‌تواند ناقض حقوق بین‌الملل و حتی قوانین داخلی ایالات متحده باشد که استفاده از نیروی نظامی را به مجوز گذرگه مشروط می‌کند. این چهره‌های سرشناس به تجربیات گذشته مداخلات آمریکا در منطقه نیز اشاره کردند: «تجربه‌های اخیر در عراق، لیبی، و افغانستان نشان می‌دهد که مداخلات نظامی آمریکا، فارغ از آنکه به نام تغییر رژیم یا مداخله بشردوستانه صورت گیرد، موجب رنج گسترده انسانی، تضعیف چشم‌اندازهای دموکراسی و بی‌ثباتی بیشتر در خاورمیانه می‌شود.» نویسندگان این بیانیه با حمایت از دموکراسی‌خواهی برحق مردم ایران در خواست آزادی، حقوق برابر و عدالت اجتماعی، تأکید کردند که جنگ یا مداخله نظامی خارجی می‌تواند تون جامعه مدنی و جنبش‌های دموکراتیک را برای ایجاد شبکه‌ها، سازمان‌های صنفی و ائتلاف‌های سیاسی و خواست دموکراسی تضعیف کند.

در میان چند صد صفاکننده این بیانیه، نام چهره‌های برجسته علوم انسانی و مطالعات خاورمیانه از جمله جودیت باتلر، پرواند آبراهامیان، آوی شلایم، آصف بیات، خوان کول، تیموتی میچل، سعید پیوندی، یمینا وهاب‌زاده و آدم هنیه دیده می‌شود. مای ساتو، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران نیز حملات نظامی ایالات متحده و اسرائیل به ایران را محکوم و این حملات را غیرقانونی توصیف کرد. او با اشاره حمله نظامی به یک مدرسه ابتدایی در میناب استان هرمزگان که بیش از ۱۶۰ دانش‌آموز دختر در آن جان باختند، حملات به بیمارستان‌ها و مناطق پرجمعیت را محکوم کرده و تأکید کرد که حقوق بین‌الملل امری گزینشی نیست و در همه شرایط و برای همه طرف‌ها باید رعایت شود.

نهضت آزادی، تجاوز به کشور را محکوم کرد

نهضت آزادی ایران در بیانیه‌ای تهاجم و ترور نظامی تجاوزکارانه آمریکا و اسرائیل علیه مردم و حاکمیت ملی ایران را محکوم کرد. در بخشی از این بیانیه آمده است: نهضت آزادی ایران ضمن محکومیت ترور مقام معظم رهبری، دیگر مسئولان ارشد سیاسی و تعدادی از فرماندهان عالی‌رتبه نظامی ایران که خلاف موازین اخلاقی، نقض منشور ملل متحد و معارض با مقررات و قواعد تردید‌ناپذیر حقوق بین‌الملل قلمداد می‌شود، در شرایط مخاطره‌آمیز و بی‌سابقه‌ای که کشور و ملت عزیزمان را تهدید می‌کند و تجزیه‌طلبانه را فراهم آورد، تقویت همدلی و رشد شاخص‌های همبستگی ملی با تکیه بر قدرت سیاسی مردم و بهره‌گیری از ائتلاف ملی نهادهای جامعه مدنی مستقل از حاکمیت را مهم‌ترین بنیان تقویت دفاع ملی، زمینه‌ساز امنیت ملی، راستین و پایدار و مؤثرترین سازوکار عبور از بحران‌های کنونی می‌داند و از خداوند رحمان و رحیم درخواست دارد این روزهای تلخ و جانکاه را در پرتو ایمان قلبی، اتحاد ملت و دوران‌پیشی و تعهد به کرامت انسانی و منافع ملی ایران، به سرانجامی نیک نائل گرداند.

زند، اما اینچاپیش دوستان وفامیل هستیم. باهم هستیم و اینظوری بهتر می‌توانیم این وضعیت را تحمل کنیم.»

این روزها مانند آقای سلطانی و خانواده و دوستان شان، تهرانی‌ها کنار هم هستند تا از رنج فشارهای ناشی از تجاوز نظامی کور به شهر کم کنند، حملات به شهری که متجاوزان با عبور از همه خط قرمزها عملاً هیچ جای امنی برای شهروندان غیرنظامی باقی نگذاشته‌اند. مانند خانم الهی، پیرزن همسایه ما که پس از تجاوز با بمداد و ظهر جمعه گذشته اسرائیل به خیابان جمهوری میدان حر، همراه با نوازش خانه‌اش را ترک کرد تا به خانه خرتیرش برود.

نوه خانم الهی در پاسخ به سوال من که «اینجا امن‌تر نیست؟»، گفت: «اینجا نوری نزدیکی خونه شما یک مدرسه هست، ممکنه این مدرسه رو هم بزنند.»

تلفنی برقرار می‌شود تا از سلامت دوستان و آشنایان خود در دیگر محله‌های شهر باخبر شوند.

درست مانند آقای سلطانی، همسایه طبقه سوم که ظهر دیروز (شنبه) تماس گرفت و پرسید: «وضع ساختمان چطور است؟» به او گفتم که وضع ساختمان خوب است و جای نگرانی نیست و اگر کاری هست، می‌توانم برایش انجام دهم. پرسیدم آیا به روزنامی خود در تبریز رفته‌اند؟ آقای سلطانی مانند هزاران تهرانی، در شهرستان‌هایی دور از تهران خانه‌ای برای خود دارند، اما با وجود این، ماندن در تهران را به رفتن ترجیح داده‌اند.

اما او پاسخ داد: «ما در نازی‌آباد هستیم، به او گفتم حوالی ظهر نازی‌آباد با موشک هدف گرفته شد و بهتر است به خانه برگردند. شاید در خانه برای آنان امن‌تر باشد.» پاسخ آقای سلطانی این بود: «درست است که اینجا را هم

بیک موتور می‌ها در حال فعالیت هستند. از ساعت ۹ شب به بعد زندگی دیگری در تهران شروع می‌شود.

به این ترتیب که آنان که طی روز سرکار و درحال انجام امور معمولی زندگی بودند، حالا در مساجد، میادین و محله‌ها جمع می‌شوند و شعارهای حماسی سر می‌دهند یا به صورت کاروان‌های موتوری، قدرت نرم خود را به رخ متجاوزان می‌کشند. جمعه شب، فلکه تهران پارس شاهد چنین قدرت‌نمایی‌ای بود و ساعاتی بعد، تجاوز نظامی متجاوزان به فلکه چهارم تهران پارس با سسخی به قدرت نرم مردم این منطقه بود.

البته که مردم درحال زندگی در تهران در همه این روزها، از صدای انفجار واهمه دارند. برای همین بعد از هر تجاوز نظامی به یک محله، حجم انبوهی پیامک بین شهروندان محله‌های مختلف ارسال یا بین آنان تماس بسته می‌شود، هرچند هنوز رستوران‌ها و